

درآمد

این که زیوش کیهان بیش از ۱۳ میلیارد سال و زیوش کره زمین نزدیک به ۴.۵ میلیارد سال است، امروزه یک دانش همگانی پذیرفته شده است. همچنین می‌دانیم که نخستین میمون‌های انسان‌نما یعنی نیاکان نخستین ما نزدیک به ۲ میلیون سال پیش می‌زیسته‌اند. روی هم رفته گونه‌های انسانی گوناگونی پا بر بستر این زمین نهاده‌اند: از اوسترالوپیتکوس (انسان جنوبی) تا انسان دنیسووا و نئاندرتال و سرانجام خود ما که به عنوان انسان هوشمند وارد تاریخ زیست‌شناسی شده‌ایم: زیوش ما نزدیک به ۲۰۰ هزار سال است. ولی نخستین باری که گروهی از انسان‌ها زندگی کوچی خود را کنار نهادند به ۱۲ هزار سال پیش می‌رسد. این یکجانشینی آغازین در جایی به نام گوبکلی تپه (Göbekli Tepe) در ترکیه کنونی است که باستان‌شناسان در سال‌های اخیر در آن‌جا به یافته‌های بزرگی دست یافتند. از ۱۲ هزار سال پیش تا پیدایش نخستین دین یکتاپرست سامی یعنی یهودیت دست کم ۱۰ هزار سال گذشته بود. طبق تاریخ رسمی-دینی یهود، ابراهیم در ۱۹ سده پیش از میلاد و در زمان **حمورابی** می‌زیست. هنوز البته یهودیان به خدای یکتای خود پیوه نرسیده بودند و پیوه خود هنوز یک بت بود. زمان بس درازی نیاز بود تا پیوه به یک خدا به این شکل امروزی (خدای یکتای نادیدنی) تبدیل شود.^۱ حتا اگر ما آغاز یکتاپرستی یهودی را با گشاده‌دستی به ۱۳۰۰ پیش از میلاد به عقب ببریم (یعنی زمان خروج موسی از مصر)، باز هم تاریخ یکتاپرستی در تاریخ انسانی بسیار کوتاه است.

از مجموع یافته‌های باستان‌شناسی به خوبی می‌دانیم که پیش از شکل‌گیری یکتاپرستی، انسان‌ها خدایان گوناگونی را می‌پرستیدند. انسان‌ها برای هر آن چه که در پیرامون خود می‌دیدند برای یک خدا می‌ساختند؛ انسان حتا برای چیزهایی که با دست خود می‌ساخت، در کنار آن یک خدا برایش می‌ساخت: خدای بیل، خدای کلنگ، خدای کوزه و غیره و غیره.^۲ چندتاپرستی بنیان دینی مردمان آن روزگار را رقم می‌زد. از این رو با قاطعیت می‌توان گفت که **مبنای یکتاپرستی، چندتاپرستی بوده است**. و درست به همین دلیل است که بسیاری از آیین‌ها و جشن‌هایی که در دین‌های یکتاپرست هست از دین‌ها و آیین‌های پیشین خود سرچشمه گرفته‌اند.^۳

هیچ چیز «آفریده» نمی‌شود، این نخستین درس تاریخ است. تاریخ، می‌پروراند ولی نمی‌آفریند. از این رو، برای شناخت هر پدیده‌ی امروزی باید گذشته آن پدیده را به خوبی شناخت. و درست در همین جاست که تاریخ رستگاری (تاریخ آفرینش دینی) راه خود را از تاریخ برایشی (evolutionary) جدا می‌کند. تاریخ رستگاری بر پایه‌ی **آفرینش یعنی بدون گذشته**، نقطه صفر تاریخی، آغاز می‌شود. و این در حالی است که تاریخ برایشی بدون گذشته قابل توضیح نیست.

از نگرگاه تاریخی که بنگریم می‌توان با قاطعیت نسبی گفت که در آینده نزدیک یا دور این دین‌های یکتاپرست امروزی نیز مانند دین‌های نیاکان ما به موزه‌ی تاریخ سپرده خواهند شد و آن‌ها همان اندازه «مقدس و مطلق» هستند که دین‌های پیشین‌شان. ولی برای ذهن کنجکاو ما این بسیار بااهمیت است که بدانیم چرا این یا آن دین این گونه‌اند هستند و چه پروسه‌ای را پیمودند تا به شکل امروزی خود رسیده‌اند. در این جا به یکی از گره‌گاه‌های اصلی دین اسلام می‌پردازیم. این گره‌گاه در شخصیتی جلوه می‌کند که امروز به آن «علی» می‌گوییم.

علی تاریخی کجاست؟

از علی که مشهور به علی ابن ابی‌طالب است چه می‌دانیم؟ با قاطعیت می‌توان گفت که ما هیچ سند یا مدرک ملموسی از «علی» مسلمانان در دست نداریم. گزارشات درباره‌ی او از ۲۰۰ سال پس از قدرت‌گیری عرب‌ها نوشته شده‌اند و کتاب منتسب به او یعنی «نهج‌البلاغه» نیز در سده ۴ هجری توسط شخصی به سید رضی نوشته یا گردآوری شده است.

^۱ برای آگاهی بیشتر به این کتاب رجوع کنید: دقیقیان، شیرین‌دخت: نردبانی به آسمان - نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود، ناشر ویدا، سال ۱۳۷۹ تهران

^۲ برای آگاهی بیشتر به این کتاب رجوع کنید: کری، جان: اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)، ترجمه‌ی باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۷۸

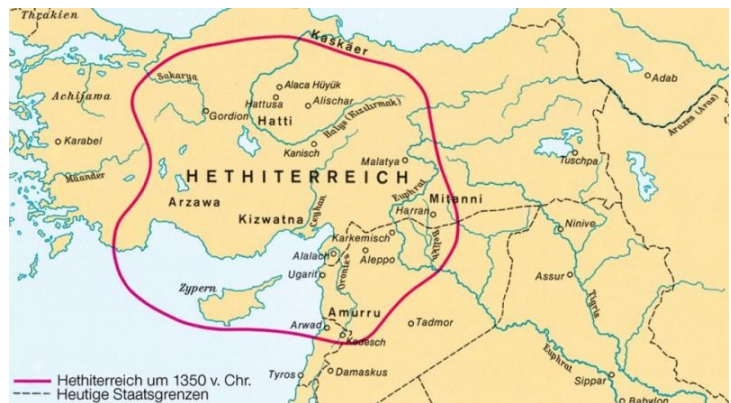
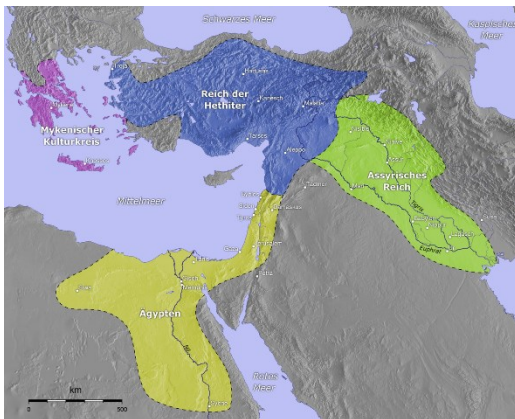
^۳ این که چرا یکتاپرستی به این شکلی که ما می‌شناسیم جای چندتاپرستی را گرفته است باید در روند تحولات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی جستجو کرد. زیرا ادیان یا ایدئولوژی‌ها فاقد استقلال‌اند، رسالت آن‌ها فقط توجیه مناسبات اقتصادی-سیاسی حاکم است. به همین دلیل، تمامی دین‌هایی که ما می‌شناسیم در هر دوره‌ی تاریخی تغییرات بزرگی را تجربه کرده‌اند تا خود را با شرایط نوین زمان تطبیق بدهند.

علی در منابع اسلامی، پسرِ عمو و دامادِ محمد پیامبر اسلام است و میان سال‌های ۶۰۰ تا ۶۶۱ میلادی می‌زیسته است. البته علی در منابع گنوسی [عرفانی]، مانند **ام‌الکتاب**، **خدا** یا **ملک تعالی** است.^۴ علی برای تمامی جریان‌های گنوسی و شیعه جایگاه «**خدایی**» دارد، مانند عیسا مسیح که از سرشتِ خدایی برخوردار است. روی هم رفته، علی برای علویان و شیعیان از پیامبر اسلام محمد نیز برتر است. در آغاز اسلام هنوز نامی از علی و جایگاه او در اسلام وجود نداشت. ریموند دکوین در کتاب خود «**آغاز ستایش علی و جهان‌بینی عباسیان**»^۵ تقریباً تمامی اسنادی که نام علی را برده‌اند عرضه می‌کند. خواننده به خوبی متوجه می‌شود که نام علی بسیار دیر وارد تاریخ اسلامی شده است. برای **نخستین بار** در سال ۱۲۸ (۷۴۶/۷۴۵) بود که در مرو سکه‌های نقره‌ای با شعار «آل کرمانی بن علی» زده شد. این سکه بیانگر جنگ و ستیز میان دو جبهه بود: جنگ میان «آل محمد» و «آل علی»، یا دقیق‌تر گفته شود، جنگ میان عرب‌ها که پیامبر خود را محمد می‌نامیدند و ایرانیان که پیامبر خود را علی می‌دانستند.

حال این پرسش طرح می‌شود که نام «علی» از کجا آمده است؟ آیا «علی» پیش از محمد وجود داشته است؟ یا او را برای رقابت با محمد ساختند؟

نام «علی» از کجا آمده است؟

همان گونه که خواهیم دید زیوش «علی‌آلی» به پیش از ادیان یکتاپرست سامی می‌رسد. پژوهشگران اهل ترکیه که موضوع پژوهش‌شان «علویان» است^۶ در این زمینه کارهای بسیار ارزشمندی انجام داده‌اند و نشان داده‌اند که علویان اساساً ربطی به علی اسلام ندارند. آیینی که پیرامون «علی» شکل گرفته بود از زمان هیتی‌ها به ویژه در شهر **اوگاریت** گسترده بود. در اوگاریت خدایان گوناگونی وجود داشتند ولی **إل** / **عل** خدای برتر بود (إل بزرگتر است). اتفاقاً همین شعار بعدها وارد اسلام شد: **الله اکبر**.^۷ پس از آن که هیتی‌ها توسط اقوام دریایی یعنی فینیقی‌ها نابود شدند و شهر اوگاریت به آتش کشیده شد (۱۱۸۰ پیش از میلاد) مردمان ساکن در قلمروی هیتی‌ها به سوی آناتولی، رشته‌کوه‌های توروس، کوه‌های زاگرس و درسیم (امروزه به نام تونجلی) پناه بردند. آناتولی به مرکز پیروان آیین **إل** / **عل** تبدیل گردید ولی بخش نسبتاً بزرگی از این مردمان به سوی ایران و کوه‌های زاگرس روانه شدند.



پس از خالی شدن سرزمین‌های هیتی‌ها به تدریج اقوام سامی در آن‌جا اسکان یافتند. سامی‌ها که تا آن زمان کوچک‌کننده بودند توانستند به تدریج در مناطق تخلیه شده از هیتی‌ها یکجانشین شوند و آیین‌های باقی مانده را با درک و برداشت خود از آن خود کنند. نخستین چیزی که برگرفتند نام **إل** برای خدا بود که به شکل «**ئیل**» یا «**ئل**» تغییر یافت: اسرائیل، میکائیل، جبرئیل و ... در عهد عتیق نیز به روشنی از «**ال‌ئل**» به عنوان بالاترین خدا – خدای نور – سخن رفته است (عهد عتیق، کتاب آفرینش، باب ۱۲، بند ۸).

دوست و همکارم آرمین لنگرودی اخیراً یک کتاب پژوهشی به نام «**وانسان خدا را همسان خود آفرید**» نوشته است که به گونه‌ی بس گسترده به گذشته‌های دور نقب زده است و یک بخش بزرگ این کتاب پژوهشی ارزشمند به خدایان در اوگاریت و «**إل**» می‌پردازد. همین واژه‌ی

^۴ «ام‌الکتاب» گفتگوی میان امام محمد باقر و یکی از پیروانش به نام جعفر جعفی است. برخلاف نظر شیعیان امام محمد باقر اصلاً مسلمان نبود بلکه نه تنها به «تناسخ» باور داشت بلکه محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین را «نمادین» می‌دانست. برای اطلاعات بیشتر به همین کتاب که می‌توان بارگیری کرد رجوع کنید.

^۵ این کتاب را می‌توانید از بخش دائلود، بارگیری کنید.

^۶ اردوغان چنار (Erdoğan Çınar) با انبوهی از مدارک و اسناد نشان داده است که علویان ربطی به «حضرت علی» داماد پیامبر اسلام ندارند بلکه علویان از آیین «آل یا عل» که ریشه‌ی آن در اوگاریت بوده است سرچشمه می‌گیرد. برای کسانی که به زبان ترکی آشنایی دارند می‌توانند به این کتاب‌ها رجوع کنند:

Erdoğan Çınar: *Aleviliğin Gizli Tarihi / Aleviliğin Kayıp Bin Yılı / Kayıp Bir Alevi Efsanesi / Bahçe Bizim Gül Bizdedir*

^۷ واژه «اکبر» در زبان عربی صفت برتر است و نه عالی. الله اکبر یعنی الله بزرگ‌تر است. یعنی «الله» [إل] در مقایسه با خدایان دیگر بزرگ‌تر است. چون صفت برتر در میان یک گروه همجنس معنا پیدا می‌کند.

«ال» برای خدا بعدها وارد مسیحیت شد که در زبان سریانی به «اله» دگرگون شد و سرآخر با گذاشتن یک حرف تعریف «ال» [در زبان عربی] در آغاز آن به «الله» تبدیل گردید.

باری، آیین ال / عل توانست در آناتولی جنوبی و غربی تا سوریه امروزی جا بیفتد. و زمانی که امپراتوری لووی (Luwians) در سرزمین آناتولی و بخش‌هایی از سوریه جا افتاد، آیین ال به یک آیین غالب در این منطقه تبدیل گردید.^۸ از این رو، آیین ال/عل توانست نه تنها در این جغرافیای خاص بلکه از آنجا به میانرودان و ایران نیز گسترش یابد.

مشخصات آیین عل (ال)

پیروان ال/عل را الوی یا علوی می‌گویند. البته درست آن «الوی» است زیرا در آناتولی کتیبه‌هایی به زبان لووی یافت شده است که A-Luwie خوانده می‌شود.

گفتنی است که ما امروزه تمامی آن‌چه که به «حضرت علی» نسبت داده می‌شود مانند خطبه‌ها، فرمان‌ها، کلمات قصار، نامه‌ها و نهج‌البلاغه را می‌شناسیم. در هیچ کدام از این نوشته‌های منتسب به «حضرت علی» هیچ نکته‌ی مشترکی با علویان نمی‌بینیم. اسلام از پنج رکن تشکیل می‌شود: شهادتین، نماز، روزه، زکات و زیارت حج. این‌ها هیچ جایگاهی در علویت ندارند. آیین‌های علویت عبارت هستند از: جمع‌خانه، دوازده خادم، جمع‌خانه چهل‌تایی، سماع، چهار رکن و چهل پله، برادری و ... در این آیین نه حج وجود و نه نماز و نه چند همسری و نه زکات. در واقع زندگی واقعی دینی علویان هیچ وجه مشترکی با اسلام یا تشیع ندارند.

علویان در بیزانس نه با نام علوی بلکه با نام «فرزندان نور» شهرت داشتند. آیین‌های فرزندان نور بسیار گسترده بود. در واقع بخشی از این آیین‌ها مربوط به آیین میترا بود. نخستین صلح میان دو امپراتوری که در تاریخ به ثبت رسیده است صلح میان مصر و هیتی‌ها بود (دهم نوامبر ۱۲۵۹ پیش از میلاد) که کتیبه‌ی آن باقی مانده است و با علامت میترا (پیمان صلح) مهر شده است. باری، فرزندان نور در محیط بیزانس از جایگاه نسبتاً محکمی برخوردار بودند. زمانی که کنستانتین اول در سال ۳۱۲ مسیحیت را به عنوان دین رسمی بیزانس اعلام کرد، مجبور بود که برای جذب مردم، بسیاری از عادات و آیین «فرزندان نور» را در دین جدید بگنجاند. برای نخستین بار در نخستین مجمع مسیحیان که به **شورای نیکیه (Nikaea/Iznik)** شهرت دارد بسیاری از آیین‌ها و جهان‌بینی‌های فرزندان نور وارد دین جدید گردید، مانند: **آیین ما (MA)** یا آیین ستایش مادر که یکی از مهم‌ترین آیین در اوگاریت بود (ماریای مادر در مسیحیت)، آیین **دوازده خادم** که به **دوازده حواری** تبدیل گردید، تثلیث کیهان-زمین-انسان در آیین علوی که به روح-ماریا-مسیح (یا پدر و پسر و روح‌القدس) تبدیل شد، جشن تخم‌مرغ فرزندان نور که به جشن یا عید پاک دگرگون شد و سرانجام کریسمس که عملاً تولد میترا یا خورشید است.

خواندگانی که با افکار و آراء «غلات شیعه یا شعیان گزافه‌گو» در جغرافیای ایران آشنایی دارند (به «ام‌الکتاب» بنگرید) می‌توانند فوراً بخش بزرگی از آیین فرزندان نور را در آراء و عقاید آن‌ها بازشناسند.

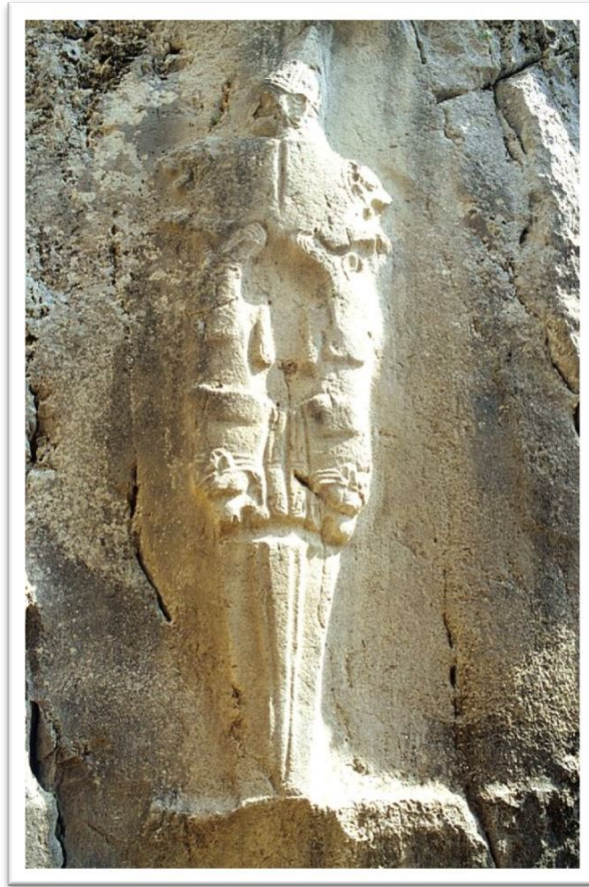
ولی خدای «ال / عل» در اوگاریت و بعدها در آناتولی لووی‌ها در صخره با یک شمشیر نیز کنده‌کاری شده است. این خدا (ال/عل) در نزد علویان «ذوالفقار علی» نام دارد. از این جا بود که شمشیر ذوالفقار نیز یکی از مشخصه‌های «حضرت علی» بعدی شد.^۹ شعیان طبق توصیف ابن شهر آشوب در سال ۱۱۹۲ میلادی چشم‌پسته همین توصیف را برداشتند، اگرچه از نظر فنی چنین چیزی امکان ناپذیر است.



^۸ مفهوم «ال» در مناطق گوناگون خود را گویش‌های محلی سازگار کرد. برای نمونه در حران به آن «الا» یا «علا» می‌گفتند. یعنی گاهی با کسره و گاهی با فتحه خوانده می‌شد. همه‌ی واژه‌هایی که به خدا برمی‌گردند از همین «ال» سرچشمه گرفته‌اند: الهه، الا، علا، تعالی، اولوهیت و

^۹ به اشتباه «ذوالفقار» را شمشیر دو نوکی تعریف کرده‌اند. البته این فقط توسط «ابن شهر آشوب» در سال ۱۱۹۲ توصیف شده و از آن هنگام تا کنون شعیان به نادرستی این شمشیر را این گونه نشان می‌دهند. البته واژه‌ی ذوالفقار در عربی به معنی «فقرات / یا دندان» است. از این رو، شمشیر ال / عل یا روی آن مانند ستون فقرات برجستگی داشت یا یک لبه‌اش دندانه‌ای بود، مانند برخی چاقوهای شکاری کنونی.

حال این پرسش پیش می‌آید که چرا علی باید شمشیر داشته باشد و این ایده از کجا سرچشمه گرفته است. این ایده بسیار بسیار قدیمی است و به پیش از یهودیت برمی‌گردد. خدای ال / عل در کوهی در نزدیک پایتخت هیتی‌ها یعنی هاتوشا در صخره کنده‌کاری شده بود. و فراموش نکنیم که کوه‌های بلند جایگاه خدایان بوده است. در واقع شمشیر خدا یا ال شمشیری است که در صخره فرو رفته است که این البته یادآور میترا نیز هست.



باری، شمشیر ال یا علی آن شمشیری نیست که «ابن شهر آشوب» در سال ۱۱۹۲ میلادی توصیف کرده است بلکه شمشیری است که از سنگ و صخره هم سخت‌تر و محکم‌تر است و به همین دلیل هیچ شمشیری در برابر نمی‌تواند تاب بیاورد. از سوی دیگر، ال یا علی نه خود «نور» بلکه پرتو یا جلوه‌ای از نور است. به همین دلیل نور، هسته‌ی آیین علویان یا الویان را تشکیل می‌دهد. در «ام‌الکتاب» آمده که این کتاب را «نورالکتاب» نیز می‌نامند. در «ام‌الکتاب» محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین شخصیت‌های واقعی نیستند بلکه «پنج نور» هستند که از ازل وجود داشتند.



علی علویان



علی عرب‌ها

این که چرا «فرزندان نور» خود را بعدها به «حضرت علی» مسلمانان منتسب کردند به سرکوب‌های بسیار خونینی برمی‌گردد که خود حدیث دیگری است.

این مقاله کوتاه و اشاره‌وار فقط به عنوان پیش‌مزه عرضه شده است. اصل نوشتار در چند مقاله در سال ۲۰۲۲ منتشر خواهد شد که تمامی اسناد و مدارک یافته شده درباره‌ی «ال» در اوگاریت و همچنین آیین ال در اوگاریت و آیین علویان کنونی به گونه بسط داده شده و همچنین عقاید و آراء غلات شیعه آورده خواهد شد.